

## مرزهای ملی و وظایف فراملی از دیدگاه اسلام

□ محمدقیوم عرفانی \*

### چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود که مسئله مرزهای ملی و سیاسی جدید از دیدگاه اسلام و فقه سیاسی شیعی تبیین و تحلیل شوند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که دین مقدس اسلام، دین جهانی است و اهداف و مسئولیت‌های فراملی را دنبال می‌کند. از این رو این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اسلام چگونه ممکن است مرزهای ملی و محدود سرزمینی را تأیید کند. تحقیق حاضر با شیوه توصیفی- تحلیلی به پنج نظریه عمده اشاره می‌کند که این نظریات می‌توانند دیدگاه اسلام درباره مرزهای ملی جدید و وظایف فراملی اسلام را توجیه و تبیین کنند. این نظریات عبارت‌اند از: نظریه منطقه الفراغ، نظریه قرارداد، نظریه ام‌القری، نظریه انطباق و نظریه ملی‌گرایی اسلامی. هر یک از این نظریات مشروعیت مرزهای ملی را از دیدگاه اسلام به صورت دائم یا موقت به رسمیت می‌شناسد و این مرزها را در تضاد با اهداف و مسئولیت‌های فراملی اسلام نمی‌بینند.

**مفاهیم کلیدی:** مرز، مرز ملی، دولت ملی، وظایف فراملی، دارالاسلام، اسلام، فقه سیاسی.

## ۱. درآمد: طرح مسأله و سؤال اصلی

مرور ادبیات سنتی اسلام نشانگر آن است که در اسلام «مرز» وجود دارد؛ اما این مرز با مرزهای امروزی که بین دولت-ملت‌های کنونی ترسیم شده است تفاوت بسیاری دارد. مرزهای گذشته، سرزمینی به وسعت «دارالاسلام» را احاطه کرده بود و مسلمانان بر اساس تکلیف دینی مکلف بودند که از این مرزها حفاظت کنند. به بیان دقیق‌تر، در گذشته مرز گسترده دارالاسلام بسیار پرنگ و اصلی، و مرزهای اندرون سرزمین اسلامی بسیار کم‌رنگ و غیر اصیل بودند؛ اما امروزه بحث مرز و ارزش آن به طور کامل معکوس شده است. مرز دارالاسلام کم‌رنگ و مرزهای ملی در درون سرزمین اسلامی اصیل و دارای اهمیت ویژه گردیده است. این دگرگونی و تحول پرسش اساسی‌ای را به وجود آورده است که چگونه می‌توان گفت اسلام مرزهای ملی و سیاسی کنونی را، که غالباً بر پایه اشتراکات نژادی، قومی، زبانی و غیره شکل گرفته است، به رسمیت می‌شناسد؛ در حالیکه دین مقدس اسلام برای تمام بشریت نازل شده، و مخاطبش تمام انسان‌هاست و اختصاص به سرزمین و مردم خاصی ندارد و هدفش هدایت نوع بشر است و به دنبال تشکیل «امت واحده» برای پرستش «خدای واحد» است و از این منظر سازوکار تشکیل امت واحده نیز «عقیده» و ایمان به اسلام است، نه اشتراکات نژادی، قومی، زبانی و... بنابراین، وجه جمع اهداف و مسئولیت‌های فراملی اسلام با شناسایی مرزهای ملی و محدود جغرافیایی توسط اسلام چیست؟ در واقعیت نیز دولت اسلامی در زمان حاضر با دو نوع مرز روبه‌رو است. از یک سو خاستگاه‌های عقیدتی، کلیه مسلمانان را امت واحده تلقی می‌کند و دارالاسلام را در مقابل دار الکفر قرار می‌دهد. از دیگر سو، مرزهای ملت-کشور در عین اعتباری بودن، واقعیتی انکارناپذیر است. از اینجاست که ممکن است تراحمی بین اهداف معطوف به این دو نوع مرز به وجود آید (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۶۵).

برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های فوق در ابتدا مفاهیم مهم این تحقیق تعریف، و سپس دیدگاه اسلام در چارچوب چند نظریه در این باب بیان می‌شوند. منظور از اسلام، به تعبیر ملکیان اسلام دو و سه است که همان شرح و توضیح مسلمانان از متون مقدس اسلامی یا عملکرد آنان

می‌باشند.

## ۲. مفهوم‌شناسی / چارچوب‌های مفهومی

### ۲-۱. مفهوم مرز و مرز سیاسی

در ادبیات دینی و فقهی ما کلمه «ثغر» وجود دارد که جمع آن «ثغور» است. منظور از این کلمه همان «مرز» است. ثغر در لغت به معنای جای نفوذ و رخنه آمده است. در اصطلاح عبارت است از مکانی که ترس هجوم دشمن از آن می‌رود. مانند مرزها، شکاف کوه‌ها و دره‌ها و امثال این‌ها (جمعی از نویسندگان، بی تا: ۴۰-۴۱).

مرز سیاسی را بدین نحو تعریف می‌کنند: عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر مرز سیاسی است. مرزهای سیاسی، امروزه به صورت خطوط مشخص می‌شوند؛ ولی در گذشته بدین صورت نبوده، بلکه منطقه پهناوری را دربرمی‌گرفته که حد فاصل بین دو امپراتوری بوده است. مرزها ضمن تعیین حدود یک مملکت، تعیین‌کننده وسعت عملیات هیأت حاکمه آن کشور نیز می‌باشد. از این رو هیچ دولتی حق ندارد از مردمی که در خارج از خطوط مرزی تثبیت شده‌اش زندگی می‌کنند، مالیات بگیرد، سر بازگیری کند و یا در خاک کشور دیگر به انجام عملیات نظامی پردازد. عبور از خطوط مرزی بین‌المللی بدون اجازه/روادید، ممکن نیست و برای این کار باید در چارچوب قوانین و مصوبات خاصی عمل شود (ر.ک: خدادادی، بی تا: ۳۵-۳۶).

حدود جغرافیایی هر کشور را مرزهای آن کشور مشخص می‌کند و مرز، حد فاصل حاکمیت دو کشور همجوار است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

### ۲-۲. سرزمین

سرزمین یا فضای زیست یک کشور، محدوده جغرافیایی است که با مرزهای کمابیش ثابت، معین و مشخص شده است. سرزمین مشتمل بر مناطق خاکی، آبی (آب‌های داخلی و دریای سرزمینی) و هوایی یک کشور است. سرزمین، عامل مادی و اساسی تشکیل کشور محسوب می‌گردد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۰۳ و ۲۰۴).

در فقه سنتی اسلام مسئله سرزمین اصولاً به حوزه «اندیشه‌ناپذیر» یا دست‌کم «ناندیشیده»

رانده شده است؛ بسیاری از نظریه‌ها در این باب، سرزمین را یا از باب ضرورت می‌پذیرند و به لحاظ فقهی مشروعیت آن را دایر مدار تقیه و ضرورت تلقی می‌کنند، و یا به صورت دوفاکتو به وجود سرزمین و مرزهای ملی توجه می‌کنند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۶۵). شناسایی دوفاکتو، شناسایی موقت و قابل لغوی است که آثار بسیار محدودی را به بار می‌آورد. این نوع شناسایی ممکن است پس از چندی بر اثر تغییر اوضاع و احوال یا تحت شرایط دیگر، از سوی کشور شناسایی‌کننده لغو گردد (ضیایی بیگدلی، پیشین: ۲۱۹-۲۲۰).

### ۲-۳. مفهوم رباط

رباط در لغت چیزی را گویند که مشك و چهار پا و غیر آن را به وسیله آن ببندند و در اصل، عبارت است از بستن اسب در نقطه‌ای معین و تأسیس ساخلو برای مرزبانی. جمع آن رُبط است. در اصطلاح، رباط به مرزداری، اقامت گزیدن در مرز، نگهبانی دادن در اطراف کشور و مرزها، دیدبانی برای آگاهی از احوال دشمن و حفظ کشور از حمله آنان اطلاق می‌شود (جمعی از نویسندگان، بی تا: ماده رباط، ص ۶۴).

مُرباطه در لغت یعنی گروهی که در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند. مرباطه در اصطلاح فقها عبارت از نگهبانی جهت محافظت از مرزهای کشور اسلامی است (جمعی از نویسندگان، پیشین: ذیل کلمه مرباطه).

مسئله ضرورت وجود مرزها هرچند در شکل نوین خود، پس از انعقاد قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸ میلادی و رشد ناسیونالیسم در سده‌های هیجده و نوزده میلادی مطرح شد؛ اما اصل مسئله در امپراتوری‌های ایران و روم و همچنین صدر اسلام مطرح بوده است. گواه بر این مطلب، عنوان «رباط» و «مُرباطه» است که در فقه و ادعیه اسلامی وجود دارد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۸۷). البته روشن است که در این مفهوم مرزداری به معنای جدید مطرح نیست.

### ۲-۴. دارالاسلام

دارُالاسلام به مرز و بومی کشور اسلامی که تحت مقررات و قوانین اسلام اداره می‌شود، اطلاق می‌گردد. به بیان دقیق‌تر، مراد از دارالاسلام آن مناطقی است که متعلق به مسلمانان می‌باشد و در آن قوانین و دستورات دینی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و تربیتی اسلام رعایت می‌شود و یا اینکه اکثر ساکنان آن مسلمان هستند. این مناطق، وطن تمامی مسلمانان جهان است

و اگر مورد تهاجم و تهدید جدی دشمنان اسلام قرار گیرند در صورتی که ساکنان آن مناطق نتوانند به تنهایی از آن‌ها دفاع کنند بر تمام مسلمانان به طور کفایی واجب است که از این مناطق به عنوان سرزمین اسلامی دفاع نمایند (شکوری، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

از دیدگاه فقه سنتی اسلام تمام کره زمین به دو قسم کلی دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود. بر این اساس دارالاسلام در برابر دارالکفر قرار می‌گیرد. نظریه‌های نظام سیاسی قدیم نیز از آن‌رو که بر محور امام یا خلیفه استوار بودند و نه جغرافیای خاص، تنها به مرز اعتقادی و نه سرزمینی می‌اندیشیدند و جهان را بر مبنای عقیده به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کردند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۶۵).

مصباح یزدی نیز می‌نویسد که این مسئله که «آیا دارالاسلام قابل تجزیه به چند کشور کامل مستقل می‌باشد یا نه؟» مورد بحث قدما و پیشینیان واقع نشده است، هر چند سیاق سخنان آنان ناظر به «کشور اسلامی واحد» تحت مدیریت عالیّه «امام واحد» است. آن زمانی هم که چند دستگاه حکومتی وجود داشته، هر یک از سران آن‌ها خود را «خلیفه راستین» قلمداد می‌کرده و دیگران را تخطئه می‌کرده و «یاغی» می‌شمرده است؛ ولی می‌توان گفت که سخنان بسیاری از فقها ناظر به شرایط خاصی بوده و به طور کلی در صدد نفی مشروعیت از حکومت‌های متعدّد نبوده‌اند. در شرایط حضور امام معصوم(ع)، شیعه بالاتفاق حکومت اسلامی را اصالتاً از آن معصوم می‌دانند و امامت بالفعل را برای دو امام معصوم در زمان واحد نفی می‌کنند. به دیگر سخن، به عقیده شیعیان سراسر دارالاسلام باید تحت قیادت و امامت امام معصوم واحدی اداره شود و حاکمان هر منطقه از سوی او نصب و به کار گمارده شوند و طبعاً همه آنان مجریان قانون اسلام و فرمان‌های امام معصوم خواهند بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۸۶). مصباح یزدی به این مطلب به مثابه یک «قاعده» معتقد است که «وقتی تحصیل مصلحت لازم الاستیفای در حد مطلوب و ایدآل، میسر نشد باید نزدیک‌ترین مرتبه به حد مطلوب را تأمین کرد» (مصباح یزدی، همان: ۹۰). از اینجا می‌توان استفاده کرد که نظر ایشان در مورد مرزهای ملی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

#### ۱-۴-۲. تعاریف و تقسیم‌بندی‌های دارالاسلام

تعاریفی که از «دارالاسلام» ارائه شده، متعدد بوده و به هر یک آثار ویژه‌ای مترتب است. از این‌رو «دارالاسلام» به چند معنا و چند دسته قابل تقسیم و دسته‌بندی است:

۱. «دارالاسلام» سرزمینی است که قانون اسلام از نظر تشریح و تنفیذ در آن جاری می‌باشد. در آنجا قوه و عزت از آن مسلمانان است، خواه اکثریت ساکنان آن مسلمان باشند یا غیر مسلمان.
  ۲. «دارالاسلام» سرزمینی است که در آن قدرت در دست مسلمانان است و در آن شریعت اسلام و احکام آن در عبادات و معاملات بلامعارض اجرا می‌شود. در این تعریف، «دارالاسلام» حدود ثابتی ندارد و قابل توسعه است.
  ۳. مُمیز اساسی «دارالاسلام» و دارالحرب وجود امان است. به این معنا که هر گاه در سرزمینی امان از سوی مسلمانان باشد، مشمول جهان اسلام است و هر گاه امان از سوی مسلمانان وجود نداشته باشد، دارالحرب محسوب خواهد شد.
  ۴. همهٔ بلادی که در حیطهٔ تسلط اسلام است و احکامش در آنجا نافذ است و شعایر اسلام در آن اقامه می‌شود، «دارالاسلام» محسوب می‌شود. بنابراین، تمامی سرزمین‌هایی که مسلمانان فتح کرده‌اند و در مقابل حاکمیت اسلام تسلیم شده‌اند و نظم اسلام در آن جاری است، مشمول «دارالاسلام» می‌شوند.
  ۵. هنگامی که در سرزمینی حتی یک حکم از احکام اسلام باقی است، آن سرزمین محکوم به «دارالاسلام» است؛ حتی اگر آن سرزمین در دست ملعونین و شیاطین باشد.
  ۶. «دارالاسلام» دو قسمت است: اول، جایی است که مسلمانان بنا کرده‌اند مانند بغداد، بصره و کوفه و دوم، سرزمینی که مسلمانان آن را فتح کرده‌اند مانند مدائن و شام. در بلاد اسلام سکونت مسلمانان شرط نیست، بلکه کافی است که تحت تسلط امام باشد.
  ۷. «دارالاسلام» بر سه بخش است: اول، شهری که در اسلام بنا شده و مشرکان به آن نزدیک نیستند، همانند بغداد و بصره، دوم، سرزمینی که از آن کفار بوده است، لیکن مسلمانان بر آن غلبه پیدا کرده‌اند و یا آن را با صلح گرفته و جزیه بر مردم آن مقرر کرده‌اند. سوم، سرزمینی که مال مسلمانان بوده و کفار بر آن غلبه پیدا کرده‌اند. به این ترتیب سرزمینی که مال مسلمانان بوده و کفار تصرف کرده‌اند، حتی اگر در آنجا مسلمانی نباشد، آن را بخشی از «دارالاسلام» دانسته است. بر اساس این نظر هر گاه سرزمینی واجد یکی از عناصر زیر باشد ملحق به «دارالاسلام» است:
- الف) عنصر حاکمیت؛ یعنی اگر حاکمیت آن در دست مسلمانان باشد، «دارالاسلام» محسوب می‌شود. هر چند که اکثریت آن غیر مسلمان باشند.
- ب) عنصر جمعیت؛ یعنی اگر اکثریت جمعیت و اهالی یک سرزمین مسلمان باشند (خواه

اشغال شده باشد یا مردم آن به مرور زمان مسلمان شده باشند)، حتی اگر حاکمیت سیاسی از آن غیر مسلمانان باشد، و یا در گذشته در اختیار مسلمانان نبوده، «دار الاسلام» تلقی می‌شود.

ج) سابقه اتصال به «دار الاسلام»؛ یعنی اگر سرزمینی متعلق به مسلمانان بوده و دشمن آن را از خاک کشور اسلامی جدا کرده است و موفق شده اکثریت مردم آنجا (و حتی تمام آن‌ها) را به انحاء گوناگون غیر مسلمان کند، باز هم ملحق به «دار الاسلام» است (تمام این تعاریف از این منبع اخذ شده است: عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۳).

دیدگاه‌های فوق را در سه دسته می‌توان دسته‌بندی کرد:

- نظریاتی که حاکمیت سیاسی و حقوقی را ملاک می‌دانند (شامل نظریات ۱ و ۲ و ۳ و ۴

و ۶)؛

- نظری که صرفاً جریان احکام اسلامی را کافی می‌داند (نظر ۵)؛

- نظری که صرف تعلق یا سابقه تعلق آن را به مسلمین کافی می‌داند (نظر ۷).

اگر نظریه‌های دسته اول پذیرفته شوند به ناگزیر بسیاری از سرزمین‌هایی که در حال حاضر مسلمانان در آن به سر می‌برند، ولی به نحوی از انحاء حکومت آن اسلامی نیستند یا به تصرف غیر مسلمانان درآمده‌اند از جرگه «دار الاسلام» خارج می‌شوند؛ به گونه‌ای که با پذیرش نظر ششم به جز ایران همه کشورهای دارالکفر به حساب می‌آیند.

اگر نظر دسته دوم پذیرفته شود سرزمین‌هایی که دشمن به تصرف خود درآورده و یا با به کارگیری ترفندهایی موجب شده است که مسلمانی در آنجا وجود نداشته باشد، و یا احکام اسلام را اجرا نکنند، از جرگه «دار الاسلام» خارج می‌شود. در نتیجه هر گونه اقدام مسلمین در بازپس‌گیری آن‌ها از مفهوم دفاع خارج شده و قاعدتاً در چارچوب جهاد ابتدایی که شرایط خاص خود را دارد قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، نظر آخر اقوا به نظر می‌رسد (عظیمی شوشتری، پیشین: ۹۱-۹۲).

۸. یک نظریه در این باب آن است که اساساً «دار الاسلام» یک مفهوم فرهنگی و تمدنی است و هیچ ربطی به جغرافیا و سیاست ندارد. به بیان دیگر «دار الاسلام» یک مفهوم سیاسی و جغرافیایی نیست؛ برای مثال، امروزه از «جهان غرب» سخن گفته می‌شود، اما منظور از آن کشورهای غربی است که فرهنگ غربی بر آن‌ها مسلط است و از این رو ژاپن هم که به لحاظ موقعیت جغرافیایی در شرق دور قرار دارد جزو دنیای غرب به حساب می‌آید. افزون بر اینکه جهان غرب یک کشور نیست که دارای حکومت، حاکمیت و سرزمین واحدی باشد. به همین صورت «دار



الاسلام» نیز یک مفهوم فرهنگی است که جهان را به اسلامی و غیر اسلامی تقسیم می‌کند و این مفهوم هیچ اشاره‌ای به نفی مرزهای ملی و دولت - ملت‌های جدید و اثبات مرزهای جغرافیایی دارالاسلام ندارد. لذا در اسلام «دارالاسلام» به معنای کشوری که دارای مرزهای ملی و سیاسی باشد، نداریم. در فقه سنتی اگر از «دارالاسلام» سخن رفته است به همین معنای فرهنگی آن، یعنی «جهان اسلام» در برابر «جهان کفر» است. از این منظر تکلیف مرزهای ملی حکومت اسلامی را باید از طرق دیگری نفی یا اثبات کرد.

تفاسیر کمابیش مشابه دیگری هم از دارالاسلام وجود دارد و گفته شده است که دارالاسلام سرزمینی است که اکثریت مردمش باور به اسلام داشته باشند؛ یا سرزمینی است که آن را مسلمانان فتح کرده‌اند و یا به معنای مرز سیاسی است که اکثریت مردم اندرون این مرز مسلمان باشد و در آن حاکمیت حاکم مسلمان وجود داشته باشد و قوانین اسلامی هم حاکم باشد. دارالاسلام بدین معنا در فقه سنتی شیعه وجود ندارد. معنای دیگر دارالاسلام شیوع (جری) احکام اسلامی در آن است. بر این اساس موضوعاتی همچون سوق مسلمین، اصالت اباحه و اصل حلیت مطرح می‌شوند.

## ۲-۵. دولت - کشور / دولت ملی

دولت - کشور اشاره به واحد جغرافیایی دارد که از لحاظ داخلی دارای نظم خاص سیاسی و از لحاظ خارجی دارای استقلال خارجی است. در دنیای مدرن، دولت - کشور با دولت - شهر در یونان و امپراطوری روم متفاوت است. بنیاد دولت ملی، سرزمین و جمعیت، و گوهر آن حاکمیت است. بدین لحاظ، گاه به نام دولت - کشور و زمانی به نام دولت ملی خوانده می‌شود. ویژگی حاکمیت، وقتی به سرزمین اضافه شود، مفهوم کشور ایجاد می‌شود. اضافه کردن حاکمیت به مردم، حاکمیت ملی، و اضافه کردن حاکمیت به مدیریت حکومت ملی شکل می‌گیرد. خاستگاه تاریخی دولت ملی در نظام بین‌المللی، اواخر قرون وسطی است. خاستگاه قانونی و رسمی آن به قرار داد وستفاليا، که در سال ۱۶۴۸ م. منعقد شد، برمی‌گردد.

عامل اصلی انعقاد قرارداد وستفاليا، جنگ‌های سی ساله مذهبی بود که بین طرفداران نظام موجود با نظام جدید در حال ظهور دولت - کشور در گرفته بود. دو گروه تحت عناوین پروتستانتیسم و کاتولیسیسم / پروتستان‌گراها و کاتولیک‌گراها از ۱۶۱۸ م. به جنگی درگیر شدند که نهایتاً به تفوق و پیروزی سلاطین و ایجاد دولت - کشور به معنای جدید آن طی قرارداد وستفاليا



منجر شد.

### ۳. تحلیل مرزهای ملی از دیدگاه اسلام در چارچوب چند نظریه

در این بخش تلاش بر آن است که نظریه‌های عمده‌ای که می‌توانند مشروعیت مرزهای ملی از دیدگاه اسلام را تبیین کنند، به شکل شفافی تبیین و ارائه شوند.

#### ۱-۳. نظریه منطقه الفراغ

بر اساس نگرش فقها تمام اعمال و افعال آدمی به یکی از این پنج حوزه یا منطقه مربوط می‌شود: به حوزه واجبات، محرّمات، مستحبات، مکروهات و مباحات. برخی از فقها بر آن است که اباحه در حوزه مباحات نیازمند جعل نیست. از همین رو، به این حوزه حوزه فراغ یا مالانصّ فیه نیز گفته می‌شود. در تفکر فقها بسیاری از راهکارها به بنای عقلا و مصالح تعیین شده از سوی آن‌ها واگذار شده است؛ امری که مصلحت‌اندیشی، واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری این گروه را در مواجهه با شرایط جدید آسان‌تر کرده و بدان‌ها قدرت انطباق بیشتری داده است.

در مورد اسلامیت پدیده‌های جدید جوامع اسلامی دورویکرد در میان عالمان مسلمان دیده می‌شود. (۱) رویکرد مضیق و انقباضی؛ در این رویکرد سازگاری نشانه‌ها و پدیده‌های جدید و عصری با نصوص مقدس جست‌وجود می‌شود. از این رو اصل تطابق با شریعت بر مبنای نص‌گرایی و روش اصالت الحدّ ری دنبال می‌گردد. (۲) رویکرد موسّع و انبساطی؛ در این رویکرد مبنای اصل عدم مغایرت با شریعت و اصالت الإباحه دنبال می‌شود. بنابراین در رویکرد نخست، اصل بر اسلامی نبودن پدیده‌های جدید است، مگر اینکه نصی در آن زمینه یافت شود. در رویکرد دوم، اصل بر اسلامی بودن پدیده‌های نوین است، مگر اینکه نصی بر خلاف آن بوده و یا مغایر با آموزه‌های اصیل اسلامی باشد. در این رویکرد، به رغم رویکرد نخست، مجال گسترده‌ای برای اسلامی‌سازی پدیده‌های جدید به وجود می‌آید. رویکرد نخست به دلیل عدم دسترسی به نصوص مربوطه با انسداد و بن‌بست اسلامی‌سازی مواجه است (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۸: ۴۵۴).

تبیین مشروعیت اسلامی مرزهای ملی و سیاسی در چارچوب این نظریه بدین صورت است که در باب مرزهای ملی، نصی از قبیل آیه و روایتی وجود ندارد؛ زیرا که موضوع مرزهای سیاسی

یک پدیده نوبنیاد است. مرزهای ملی از زمان قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸م. به بعد به وجود آمده است. بنابراین این موضوع در حوزه مالانص فیه قرار می‌گیرد و جزو مباحثات اسلامی است و بدین سان اسلامی و مشروع تلقی می‌شود. بر مبنای رویکرد انبساطی نیز موضوع مرزهای ملی یک امر اسلامی است و هیچ منع و ردی هم از سوی شرع در این زمینه وارد نشده است. لذا موضوع مرزهای ملی نه با شرع و آموزه‌های اصیل اسلامی مخالف است و نه مخالفتی از سوی شرع علیه آن صورت گرفته است. مرزهای ملی یک امر عقلانی است که برای جلوگیری از تجاوز و جنگ به وجود آمده است.

بنابراین، این نظریه تنها مشروعیت نوپدیده‌ای به نام مرزهای ملی را اثبات می‌کند؛ ولی درباره تزامم امر ملی و وظایف فراملی اسلام ساکت است و از آن نمی‌توان در این باب راه حلی را دریافت کرد.

## ۲-۳. نظریه اُمّ القُری

نظریه دیگر در این باب که می‌توان با آن مشکل مرزهای ملی را تا حدودی حل کرد، نظریه «اُمّ القُری» است. این نظریه توسط محمدجواد لاریجانی، ذیل نظریه کلان‌تری به نام «تئوری ذاتی حکومت» مطرح شده است. «تئوری ذاتی حکومت» کلان نظریه‌ای است که مدعی است همه ویژگی‌های حکومت باید از ماهیت آن سرچشمه بگیرد و در این مورد مسئله مرزها مستثنا نیست. بر اساس این تئوری سؤال مهم و اساسی «چیستی حکومت» است. از این منظر، «حکومت تجمع‌عاملی است که در آن عقلانیت جمعی مشترک است». توضیحات مفردات و عناصر این تعریف به این شرح است که: اولاً، انسان‌ها همان گونه که می‌توانند به صورت فردی مصدر عمل ارادی باشند، به صورت جمعی نیز می‌توانند حیثیت «عامل» بودن پیدا کنند (وجود تجمع‌عامل). ثانیاً، تجمع‌عامل دورکن اساسی دارد: الف) عقلانیت مشترک؛ و ب) سازماندهی مسلط. ثالثاً، عقلانیت (Rationality) مبنای عمل فردی و جمعی است. عقلانیت جامع آن است که در این شبکه آن قدر بالا رود تا ربط عمل را به سعادت حقیقی انسان پیدا کند. عقلانیت‌های دیگر که صرفاً مقاصدی را دنبال می‌کنند عقلانیت جزئی خوانده می‌شوند. رابعاً، «مشروعیت» باید سیطره سازمان‌دهی را توجیه نماید و این توجیه باید بر اساس عقلانیت جمعی مشترک باشد. «کارآمدی» جنبه دیگری از سازماندهی را - که همانا مربوط به انجام وظایف حکومت است - بیان می‌نماید.

بنابراین از تئوری ذاتی حکومت چنین به دست می‌آید که حکومت دورکن مهم دارد: «عقلانیت مشترک» و «سازماندهی». ظهور سازماندهی هم تابع امکانات است و هم شدت و ضعف دارد. این تئوری، مرزها را با شدت و ضعف مطرح می‌کند. به بیان دیگر، مرزهای جغرافیایی مرزهای حقیقی عنصر حکومت نیستند. بر این اساس ابتدا باید عقلانیتی جامع در میان جمعی از مردم فراگیر شود و سپس سازماندهی خاصی سیطره پیدا کند. داشتن یک سرزمین ویژه، کمک بزرگی به استقرار سازماندهی حکومتی می‌کند؛ اما به هیچ وجه شرط ضروری ذاتی آن نیست (لاریجانی، ۱۳۷۵: ۴۳-۴۴).

تطبیق این تئوری در مسئله مرزهای ملی بدین نحو است که تعالیم اسلامی مبنای روشنی برای عمل ارائه می‌دهد که آن در این نظریه «عقلانیت اسلامی» خوانده می‌شود. حکومت اسلامی یعنی تجمع عاملی که بر اساس عقلانیت اسلامی تشکیل شده است؛ اما بدیهی است که صرفاً گردیدن به این عقلانیت باعث تشکیل حکومت نمی‌شود؛ بلکه لازمه آن تسلط سازماندهی خاص حکومتی است که شامل سه رکن رهبری، نظام تصمیم‌گیری و تقسیم کار می‌شود. این سیطره می‌تواند در یک سرزمین معین در برهه‌ای از تاریخ، کامل و تمام‌عیار باشد و در سایر نقاطی که امت اسلامی پراکنده هستند با درجات ضعیف‌تر وجود داشته باشد. در این تئوری، سرزمینی که در آن حکومت اسلامی - به معنای سازماندهی کامل آن - مسلط شده است، دارای موقعیت ممتازی است که بدین جهت آن را «ام‌القری» می‌خوانند. ویژگی‌های عمده «ام‌القری» در این است که در آن اولاً، حکومت اسلامی مستقر شده است و ثانیاً، صلاحیت و گستره رهبری «ام‌القری» نسبت به کل امت اسلامی است؛ بدین معنا که این رهبری لیاقت ولایت بر کل امت را دارد، گرچه فعلاً سازماندهی محدود به سرزمین «ام‌القری» تحقق یافته است. از این منظر «ام‌القری» مسائل متعددی را به همراه دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است: ۱) در سازماندهی حکومتی «ام‌القری» رهبری از لحاظ صلاحیت در سطح امت اسلامی است. الزامات این امر اولاً این است که اگر مردم «ام‌القری» نقشی در به قدرت رسیدن رهبری دارند باید در انتخاب (بیعت) خود همواره صلاحیت رهبری کل امت را در نظر بگیرند؛ ثانیاً، رهبری «ام‌القری» اگرچه در سرزمین محدودی سیطره رسمی دارد، لیکن همه امت اسلامی «باید» تولی او را به عهده گیرند. ۲) شکست یا پیروزی «ام‌القری» شکست و پیروزی اسلام است؛ لذا اگر «ام‌القری» مورد تعرض قرار گیرد، همه امت اسلامی باید برای دفاع از آن قیام کنند، مگر آنکه عده و عده موجود کفایت نماید. امت اسلامی مجموعه مردمی هستند که اسلام را برای مبنای

عمل خود برگزیده‌اند و بدان ایمان آورده‌اند. بنابراین هر فرد از امت اسلامی نسبت به «امّ‌القری» مسئولیت دارد، حتی اگر فرسنگ‌ها دور، در بلاد کفر زندگی کند. (۳ رهبری «امّ‌القری» نسبت به کل امت اسلامی مسئولیت دارد؛ لذا منافع ملی «امّ‌القری» و استراتژی ملی آن (برای نیل بدان منافع) با سایر کشورها متفاوت است؛ زیرا صلاح امت اسلامی در محاسبات آن نقش روشن دارد (لاریجانی، همان: ۴۴-۴۷).

بر اساس این تئوری مرزهای ملی «امّ‌القری» به دلیل حفاظت از «امّ‌القری» به رسمیت شناخته می‌شود؛ چرا که قوت و ضعف «امّ‌القری» قوت و ضعف امت اسلامی است. از این منظر، اگر «امّ‌القری» به تحکیم امنیت ملی می‌اندیشد صرفاً بدان دلیل است که تهدید مرزهای «امّ‌القری» تهدید مستقیم حکومت اسلامی است که حفظ آن از اهم واجبات است (فیرحی، پیشین: ۲۶۲). بدین ترتیب به رسمیت شناختن مرزهای ملی به دلیل حفاظت از حکومت اسلامی است و به خودی خود اعتباری ندارد.

### ۳-۳. نظریه قرارداد

نظریه قرارداد نظریه‌ای است که مرزهای ملی را در چارچوب عقود و قراردادهای اسلامی تبیین می‌کند. این نظریه بر آن است که اسلام دو نوع مرز را به رسمیت شناخته است، بدین معنا که برایش آثار حقوقی خاصی قایل شده است. از این منظر تا پیش از روزی که آرمان جهانی اسلام تحقق پذیرد و تا پیش از یکپارچه شدن جهان بر اثر رشد و بلوغ کامل بشریت، همواره دو نوع مرزبندی می‌تواند وجود داشته باشد. یکی، مرزهای قراردادی؛ بدین معنا که کشور اسلامی به شکل صریح یا ضمنی به موجب یک قرارداد خاص کتبی و یا با اتخاذ یک موضع عملی، حوزه اعمال صلاحیت و حاکمیت خود را در برابر کشورهای دیگر معین می‌کند، یا آنکه با رعایت حریم صلاحیت دیگر کشورها مرزهای تعیین شده آنها را می‌پذیرد. هرگاه چنین تعهدی از حکومت اسلامی صورت گیرد همچون دیگر تعهداتش لازم‌الرعايه است. در نتیجه یک سلسله مرزهای جغرافیایی در روابط بین‌الملل اسلامی به رسمیت شناخته می‌شود. دوم مرز اسلام و کفر است که در این مرزبندی جهان به دو بلوک عمده و کاملاً متمایز از هم، یعنی دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

بنابراین، در این دیدگاه مرزهای سیاسی از باب اینکه جزو قراردادهای و عقود اسلامی است لازم‌الرعايه تلقی می‌شود و مشروعیت می‌یابد. بدین ترتیب مرز جغرافیایی و ملی از منظر اسلام

مشکلی پیدا نخواهد کرد و می‌تواند مشروع و مجاز باشد. این نظریه، مشروعیت مرزهای ملی را اثبات می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد وظایف فراملی اسلام را ذیل مرز عقیدتی دارالاسلام و دارالکفر قرار می‌دهد. به هر صورت، مسئله تزاخم امر ملی با وظایف فراملی اسلام در نظریه قرارداد نیز حل نشده باقی می‌ماند.

### ۴-۳. نظریه انطباق / همروی با تحوّل مثبت بشری

نظریه عرفی / نظریه انطباق یا همروی با تحوّل مثبت بشری نظریه‌ای است که می‌گوید موضوعاتی که جزو ذات دین نیست به عرف و عقل بشر واگذار شده است. این نظریه بر آن است که اسلام از دو مقطع تاریخی سنت و پسا سنت برخوردار است. در دوره تاریخی پسا سنت مسائل و موضوعات نوپدید بسیاری مطرح شده‌اند که در گذشته و دوره سنت نبوده‌اند. نکته بنیادین و گره‌گشا در اینجا این است که اگر آنچه در «سنت» مطرح بوده، جزو ذات دین نباشد، تغییرپذیر است و قابلیت این را دارد که به‌روز شود و مطابق با تحوّل بشری تحول پیدا کند و پیش برود. البته تحوّل بشری تا جایی از نظر اسلام پذیرفته است که در ذات آن الحاد و فساد نباشد و بنای عقلانی داشته باشد. در مسئله مرزهای سیاسی نیز روشن است که این مسئله جزو ذات دین نیست و از این رو تغییرپذیر است و مطابق با تحول و نیازهای روز جوامع بشری تحول پیدا کرده و پیش رفته است. امروزه مسئله مرزهای سیاسی یک امر اجتناب‌ناپذیر و پذیرفته شده بین‌المللی و یک امر عقلانی است که از سوی شارع مقدس ردع نشده است. لذا با هیچ مشکلی مواجه نمی‌باشد. در گذشته، ابرکشوری به نام «دارالاسلام» وجود داشت که در این کشور یک نفر حاکم بود و هیچ مرزی به جز مرز «دارالاسلام» را به رسمیت نمی‌شناخت؛ اما ولایات و والیان متعددی داشته است. اگر مردم این ابرکشور به این نتیجه رسیدند که هر کدام این ولایات به یک کشوری که دارای مرزهای سیاسی معینی است تبدیل گردد، هیچ مانعی نسبت به آن وجود ندارد. این امر مطابق با اقتضانات تحول بشری است و این مسئله از ذاتیات دین اسلام نمی‌باشد. مطابق این نظریه، به وظایف فراملی اسلام تا جایی پرداخته می‌شود که با اصول و مقررات روابط بین‌المللی کشورها در تضاد نباشد و گرنه صرفاً به امور ملی پرداخته می‌شود.

### ۵-۳. نظریه ملی‌گرایی اسلامی

این نظریه را که مهدی بازرگان توضیح داده است، هرچند آرمان حکومت جهانی واحد را در

عصر ظهور امام زمان (عج) می پذیرد که زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد؛ در دوره غیبت بیشتر بر اهداف ملی و خدمت به وطن از طریق اسلام نظر دارد. ارکان مهم این نظریه بدین شرح است: اولاً، مرزهای جغرافیایی و ملی را می پذیرد؛ ثانیاً، مشروعیت نظام، حدود تصرفات حکومتی حاکم اسلامی و مشروع بودن هزینه امکانات و منابع ملی را به درون مرزهای ملی محدود می کند؛ ثالثاً، حمایت از مسلمین جهان در مجامع بین المللی را در تضاد با جامعه و حکومت اسلامی نمی بیند (فیرحی، پیشین: ۲۶۰؛ حقیقت، پیشین: ۶۱ و ۹۲).

بنابراین، نظریه مزبور هم مرزهای ملی را می پذیرد و هم از این طریق آرمان ها و اهداف جهانی اسلام را در چارچوب قوانین و مقررات بین المللی و عرف دیپلماتیک جست و جو می کند.

#### ۴. جمع بندی و نتیجه گیری

در این جستار تلاش شد که مرزهای ملی و سیاسی جدید از دیدگاه اسلام و فقه سیاسی شیعی تبیین و تحلیل شوند. مسئله ما در این تحقیق آن است که دین مقدس اسلام، هم یک دین جهانی است و هم اهداف فراملی را دنبال می کند. از این رو چگونه ممکن است که مرزهای ملی و محدود و سرزمینی را تأیید کند؟ در راستای تبیین راه حل های این مسئله، مفاهیم کلیدی و مهم تحقیق تعریف شدند و نسبت به برخی مفاهیم همچون مفهوم «دارالاسلام» تعاریف مختلفی بیان شد. یک تعریف آن بود که «دارالاسلام»، کلان سرزمینی است که در آن مسلمانان سکونت دارند و در مقابل سرزمین کفر است. دیدگاه مهم دیگر آن بود که «دارالاسلام» یک مفهوم فرهنگی و تمدنی است و مشیر به جغرافیا و مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه منظور جهان اسلام است. سپس در چارچوب پنج نظریه، دیدگاه اسلام درباره مرزهای ملی و وظایف فراملی اسلام تبیین شد. این نظریات عبارت بودند از نظریه منطقه الفراغ، نظریه قرارداد، نظریه ام القری، نظریه انطباق و نظریه ملی گرایی اسلامی. هر یک از این نظریات، مشروعیت مرزهای ملی را از دیدگاه اسلام به صورت دائم یا موقت به رسمیت می شناختند و مرزهای ملی را در تضاد با اهداف و آرمان های فراملی اسلام نمی دیدند و به نحوی مشروعیت مرزهای جدید را از نظر اسلام توجیه می کردند.



## کتابنامه

---

- جمعی از نویسندگان، (بی تا) اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی، (نرم افزار زمزم (۲) پژوهشکده تحقیقات اسلامی).
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، مسئولتهای فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول.
- خدادادی، اسماعیل، (بی تا) جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران (دسترس پذیر در نرم افزار زمزم (۳) پژوهشکده تحقیقات اسلامی پژوهشگاه امام صادق (ع)).
- خلیلیان، سید خلیل (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۸)، گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پسا طالبان، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷)، فقه سیاسی (ویرایش دوم)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و نهم.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل اسلام، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.
- فیرحی، داود (۱۳۸۴)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، چاپ سوم.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۵)، «حکومت اسلامی و مرزهای سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال اول، شماره دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، «اختیارات ولی فقیه در خارج از مرزها»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول.

